

بوشهر؛ اسیر بروکراسی



افتتاح بخش بخار نیروگاه زرننده



شیراز در مسیر هاب صنعتی جنوب



تجارت جهانی

روزنامه الکترونیکی

سه‌شنبه ۲۵ شهریور ۱۴۰۵ | سال ششم | شماره ۱۵۳ | ۴ صفحه | قیمت ۴۰۰۰۰ تومان



تدوین نقشه راه توسعه‌ای برای آینده کیش

تهارسانه مناطق آزاد تجاری و ویژه اقتصادی در ایران و جهان

info@TejarateJahani.Com

23-06-2026

www.TejarateJahani.Com

تجارت جهانی، گزارش می‌دهد

ارس؛ سیلیکون ولی فراموش شده ایران؟

۳

از صادرات تا شماره‌گذاری؛ ابتدال یک انحراف سیاستی

۴

مدیرعامل منطقه آزاد بوشهر در گفت‌وگو با «تجارت جهانی» مطرح کرد:

منطقه آزاد بوشهر هر مسیر ساخت یک بندر هوشمند



۲

آلات؛ رقیب تازه بنادر ایرانی در خزر؟



تجارت جهانی در ساحل غربی دریای خزر، جایی در حدود ۷۰ کیلومتری جنوب باکو، منطقه اقتصادی آزاد آلات به سرعت در حال تبدیل شدن به یکی از مهم‌ترین پروژه‌های لجستیک اوراسیا است؛ پروژه‌ای که می‌تواند توازن رقابت بنادر و مناطق آزاد حاشیه خزر را در سال‌های آینده تغییر دهد.

دولت جمهوری آذربایجان طی سال‌های اخیر سرمایه‌گذاری سنگینی را روی بندر بین‌المللی باکو در منطقه آلات و زیرساخت‌های پیرامونی آن انجام داده است. هدف، تبدیل این منطقه به حلقه اصلی «کریدور میانی» است؛ مسیری که چین را از طریق آسیای مرکزی، دریای خزر، قفقاز و ترکیه به اروپا متصل می‌کند و در سال‌های اخیر به دلیل جنگ اوکراین و محدودیت‌های مسیرهای سنتی، توجه بیشتری را به خود جلب کرده است.

برخلاف بسیاری از مناطق آزاد که بر معافیت‌های مالیاتی تکیه دارند، مزیت اصلی آلات در موقعیت ژئوپلیتیکی آن نهفته است. این منطقه در تقاطع شبکه‌های ریلی، جاده‌ای و دریایی قرار دارد و تلاش می‌کند خود را به عنوان یک مرکز ترانزیتی و توزیع کالا میان آسیا و اروپا معرفی کند. افزایش حجم بار عبوری از کریدور میانی نیز به این هدف شتاب بخشیده است. برای ایران، توسعه آلات از دو منظر اهمیت دارد. نخست اینکه بخشی از بار ترانزیتی منطقه که می‌توانست از مسیر بندر شمالی ایران عبور کند، ممکن است جذب زیرساخت‌های آذربایجان شود. دوم آنکه رقابت جدیدی میان بندر خزر برای جذب سرمایه‌گذاران، شرکت‌های لجستیک و خطوط حمل‌ونقل شکل گرفته است.

با این حال، برخی کارشناسان معتقدند رشد آلات لزوماً تهدیدی برای ایران نیست. توسعه تجارت منطقه‌ای و افزایش حجم مبادلات اوراسیا می‌تواند فرصت‌های تازه‌ای برای همکاری میان بندر و مناطق آزاد ساحلی ایجاد کند. اما یک نکته روشن است: در رقابت آینده خزر، تنها موقعیت جغرافیایی کافی نخواهد بود و سرعت توسعه زیرساخت‌ها، کیفیت خدمات و توان جذب سرمایه تعیین‌کننده برندگان این رقابت خواهد بود.

کیش؛ از جزیره گردشگری تا سکوی صادرات و تجارت منطقه‌ای



محمد لوری ایکنار معاون اقتصادی موسسه تجارت جهانی

منطقه آزاد کیش طی دهه‌های گذشته بیش از هر چیز با صنعت گردشگری شناخته شده است؛ صنعتی که هرچند نقش مهمی در توسعه زیرساخت‌ها و جذب سرمایه داشته، اما وابستگی بیش از حد به آن، اقتصاد جزیره را در برابر نوسانات داخلی و خارجی آسیب‌پذیر کرده است. اکنون زمان آن فرا رسیده که کیش با تکیه بر موقعیت راهبردی خود در خلیج فارس، وارد مرحله‌ای جدید از توسعه شود؛ مرحله‌ای که در آن صادرات، تجارت و خدمات بین‌المللی به موتور محرک اقتصاد جزیره تبدیل شوند.

قرار گرفتن کیش در مسیر کریدورهای دریایی منطقه، نزدیکی به بازارهای کشورهای حوزه خلیج فارس و برخورداری از قوانین و مشوق‌های مناطق آزاد، ظرفیت‌های کم‌نظیری را برای تبدیل این جزیره به یک هاب صادراتی فراهم کرده است. توسعه صنایع دانش‌بنیان، ایجاد مراکز لجستیک، راه‌اندازی پایانه‌های صادرات مجدد و جذب شرکت‌های بین‌المللی می‌تواند جایگاه جدیدی برای کیش در اقتصاد ایران تعریف کند. صادرات مجدد کالا، خدمات فنی و مهندسی، فناوری‌های نوین، محصولات سلامت‌محور و حتی صادرات خدمات مالی و دیجیتال، از جمله حوزه‌هایی هستند که می‌توانند درآمدهای پایدار و ارزآور برای این منطقه ایجاد کنند. همچنین توسعه زیرساخت‌های بندری و هوایی و تسهیل فرآیندهای گمرکی، زمینه را برای حضور فعال‌تر بخش خصوصی و سرمایه‌گذاران خارجی فراهم خواهد کرد.

تجربه مناطق موفق همچون دبی و سنگاپور نشان می‌دهد که اتکال صرف به گردشگری نمی‌تواند ضامن توسعه پایدار باشد. اقتصادهای

مناطق آزاد و خلأ تولید هنری؛ ظرفیتی مغفول برای صادرات فرهنگی



حسام الدین عقیانی دبیر سرویس فرهنگ و هنری

نمونه‌های موفق جهانی نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری در صنایع فرهنگی می‌تواند علاوه بر درآمدزایی، به ارتقای برند ملی و جذب گردشگران نیز کمک کند. در بسیاری از کشورها، نمایشگاه‌های هنری، بازارهای صنایع دستی، جشنواره‌های فرهنگی و مراکز تولید محتوای خلاق در مناطق آزاد به یکی از منابع مهم ارزآوری تبدیل شده‌اند.

در ایران نیز ظرفیت‌های قابل توجهی برای بهره‌گیری از این الگو وجود دارد. از هنرهای سنتی و صنایع دستی گرفته تا تولیدات سینمایی و دیجیتال، طیف گسترده‌ای از محصولات فرهنگی قابلیت عرضه در بازارهای منطقه‌ای و جهانی را دارند. با این حال، نبود برنامه‌ریزی منسجم، کمبود زیرساخت‌های تخصصی و فقدان مشوق‌های هدفمند برای هنرمندان و فعالان صنایع خلاق، موجب شده این ظرفیت‌ها کمتر مورد استفاده قرار گیرند.

فعالان فرهنگی بر این باورند که مناطق آزاد می‌توانند با ایجاد شهرک‌های هنری، مراکز تولید صنایع دستی، بازارچه‌های دائمی صادراتی و حمایت از پروژه‌های سینمایی و هنری، نقش مؤثرتری در اقتصاد فرهنگ ایفا کنند. همچنین برگزاری رویدادهای بین‌المللی هنری و جذب سرمایه‌گذاران حوزه صنایع خلاق می‌تواند زمینه‌ساز ورود ارز و توسعه اشتغال در این مناطق باشد.

در شرایطی که اقتصاد ایران بیش از گذشته به تنوع بخشی منابع درآمدی نیاز دارد، توجه به تولید و صادرات آثار هنری در مناطق آزاد می‌تواند فرصتی ارزشمند برای پیوند اقتصاد و فرهنگ باشد؛ فرصتی که تاکنون جز در چند تجربه محدود، کمتر مورد توجه قرار گرفته و همچنان در انتظار سیاست‌گذاری و سرمایه‌گذاری جدی است.

در حالی که مناطق آزاد ایران طی دهه‌های گذشته با هدف توسعه تجارت، جذب سرمایه‌گذاری و گسترش صادرات غیرنفتی شکل گرفته‌اند، نقش این مناطق در تولید و صادرات آثار هنری همچنان کم‌رنگ و تا حد زیادی مغفول مانده است. بررسی عملکرد مناطق آزاد کشور نشان می‌دهد به جز منطقه آزاد کیش و منطقه آزاد ارس که در سال‌های اخیر گام‌هایی برای حمایت از تولیدات سینمایی و تصویری برداشته‌اند، سایر مناطق آزاد کمتر به حوزه تولید آثار هنری ورود کرده‌اند.

این در حالی است که بسیاری از کشورهای جهان، مناطق ویژه اقتصادی و آزاد را به پایگاه‌هایی برای توسعه صنایع خلاق تبدیل کرده‌اند؛ صنایعی که امروزه سهم قابل توجهی از تجارت جهانی را به خود اختصاص داده‌اند. هنرهای تجسمی، صنایع دستی، طراحی، موسیقی، فیلم، انیمیشن و سایر محصولات فرهنگی نه تنها حامل هویت ملی هستند، بلکه می‌توانند به عنوان کالاهای صادراتی ارزش‌آفرین نیز مطرح شوند.

کارشناسان حوزه اقتصاد فرهنگ معتقدند مناطق آزاد ایران به دلیل برخورداری از مشوق‌های مالیاتی، دسترسی آسان‌تر به بازارهای بین‌المللی و زیرساخت‌های تجاری، ظرفیت تبدیل شدن به مراکز تولید و صادرات آثار هنری را دارند. با این حال، سیاست‌گذاری‌ها در این مناطق عمدتاً بر فعالیت‌های بازرگانی و صنعتی متمرکز بوده و کمتر به اقتصاد خلاق توجه شده است.

مدیرعامل منطقه آزاد بوشهر در گفت‌وگو با «تجارت جهانی» مطرح کرد:

منطقه آزاد بوشهر در مسیر ساخت یک بندر هوشمند



سرمایه‌گذاران خارجی، برنامه‌ریزی‌های لازم را انجام دهیم تا بتوانیم این حوزه را به طور کامل فعال کنیم. علاوه بر حوزه لجستیک و بندر، چه بخش‌های صنعتی دیگری در اولویت توسعه منطقه آزاد بوشهر قرار دارند؟ یکی دیگر از محورهای اصلی فعالیت ما، استقرار صنایع پایین‌دستی پتروشیمی است. این اقدام به دلیل وجود صنایع غنی نفت و گاز در سطح استان و در راستای تکمیل زنجیره ارزش پتروشیمی صورت می‌گیرد.

توسعه زیرساخت‌ها نقشی کلیدی در آینده این منطقه دارند. اما صنایع دیگری مثل شیلات چطور؟ شرایط کلان حاکم بر این بخش‌ها در منطقه آزاد بوشهر به چه صورت است؟

بله، در بستر همان شرایط کلانی که پیش‌تر اشاره کردم، توسعه و استقرار صنایع شیلات، آبی‌پروری و البته صنایع بسته‌بندی وابسته به آن، به دلیل ظرفیت‌های گسترده دریایی در استان بوشهر، از محورهای اصلی ما به شمار می‌رود.

علاوه بر این، قرار گرفتن بوشهر در مسیر کشورهای حوزه خلیج فارس و شبکه‌های ارتباطی آن، یکی از برنامه‌های راهبردی و محوری ماست. در این راستا، رویکرد کلان منطقه آزاد، بهره‌گیری از فناوری اطلاعات و هوشمندسازی است؛ به گونه‌ای که موضوع «بندر هوشمند» نیز دقیقاً بر همین مبنای کار قرار دارد.

موضوع دیگری که به شدت مورد مطالبه مردم و فعالان اقتصادی است، بحث واردات خودروهای خارجی با پلاک منطقه آزاد است. با توجه به این درخواست‌ها، فکر می‌کنید فرایند پلاک‌گذاری و واردات این خودروها چه زمانی آغاز شود؟

حوزه‌ی واردات خودروهای خارجی قطعاً با رویکرد تأمین خودروهای ایمن و استاندارد برای استفاده مردم عزیز منطقه دنبال می‌شود. این اقدام می‌تواند انگیزه بسیار خوبی برای بازرگانان، تجار، گردشگران و همچنین جذب توریست به منطقه ایجاد کند.

البته ظرفیت استفاده از این خودروهای پلاک منطقه برای شبکه حمل‌ونقل عمومی و بخش‌های دولتی نیز در دستور کار قرار گرفته است. در حال حاضر، مراحل ماندن استقرار زیرساخت‌های لازم برای سایت خودرو، اخذ مجوزهای قانونی و تفاهم‌نامه با پلیس راهور در حال پیگیری است. ما بسیار امیدواریم که ان‌شاءالله

گزارش کوتاه

گزارش کوتاه

تدوین نقشه راه توسعه‌ای برای آینده کیش



منطقه قرار گیرند. او گفت این اسناد با همکاری معاونت‌ها و شرکت‌های تابعه در حال پیگیری است تا مسیر تصمیم‌گیری‌های آینده کیش بر پایه یک چارچوب هماهنگ و مشخص شکل بگیرد. مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش تأکید کرد تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که تکیه صرف بر گردشگری تفریحی، اقتصاد جزیره را در برابر بحران‌ها آسیب‌پذیر می‌کند.

به گفته او، توسعه خدمات مالی، تجارت، فناوری و گردشگری تخصصی باید به عنوان بخش‌هایی از یک مدل اقتصادی متنوع‌تر دنبال شود؛ مدلی که بتواند ثبات اقتصادی بیشتری برای کیش ایجاد کند. کبیری از برنامه سازمان برای معرفی پروژه‌های پیش‌ران و بزرگ سرمایه‌گذاری خبر داد و گفت فرصت‌های جدید همکاری اقتصادی در منطقه، نیازمند آماده‌سازی سریع طرح‌های اولویت‌دار کیش و ارائه آنها به سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی است.

وی افزود بسته‌های سرمایه‌گذاری در حوزه‌هایی مانند زیرساخت‌های فرودگاهی، گردشگری تخصصی، فناوری و پروژه‌های شهری باید با زنگی شده و در سطح ملی و بین‌المللی معرفی شوند. مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش در پایان خواستار تسریع در روند اجرای پروژه‌های عمرانی و مشارکتی شد و تأکید کرد فراخوان‌های مربوط به این طرح‌ها باید حداکثر تا نیمه تیرماه منتشر و تا مردادماه تعیین تکلیف شوند تا پروژه‌های اولویت‌دار وارد مرحله اجرا شوند.

مدیرعامل سازمان منطقه آزاد

کیش از مجموعه‌ای از تصمیم‌ها و برنامه‌های جدید برای تغییر مسیر اقتصادی این جزیره خبر داده است؛ تصمیم‌هایی که به گفته او می‌تواند کیش را از وابستگی به گردشگری تفریحی خارج کرده و به یک مرکز فعال در حوزه تجارت، خدمات مالی و سرمایه‌گذاری منطقه‌ای تبدیل کند.

محمد کبیری، مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش، در هفتمین جلسه شورای معاونین و مدیران سازمان و شرکت‌های تابعه که صبح اول تیرماه ۱۴۰۵ برگزار شد، از تصویب مصوبه «مبدأ کالای ملوانی» برای کیش، بازگشت پروازهای جزیره، تدوین اسناد توسعه‌ای و برنامه‌ریزی برای جذب سرمایه‌گذاران جدید خبر داد. کبیری اعلام کرد مصوبه تعیین کیش به عنوان مبدأ کالای ملوانی ابلاغ شده و اکنون تمرکز اصلی بر فراهم کردن مقدمات اجرایی آن با همکاری معاونت اقتصادی سازمان و مشارکت بخش خصوصی خواهد بود.

به گفته او، این تصمیم می‌تواند در دوره‌هایی که میزان تقاضای گردشگری در جزیره کاهش پیدا می‌کند، به حفظ جریان اقتصادی کمک کند و همزمان در تأمین بخشی از نیازهای کشور نقش داشته باشد.

وی با اشاره به فهرست ۹۶ قلم کالای ملوانی و اضافه شدن برخی اقلام جدید در حوزه پتروشیمی تأکید کرد که تشکیل تعاونی مرزنیسان در کنار ساختارهای موجود، باید به گونه‌ای پیش‌برود که منافع این طرح میان کسبه، بازاریان و مردم کیش توزیع شود.

مدیرعامل سازمان منطقه آزاد کیش همچنین از آماده شدن شرایط برای بازگشایی فرودگاه جزیره خبر داد و گفت پروازها از پایان هفته جاری دوباره برقرار خواهد شد؛ اقدامی که می‌تواند زمینه بازگشت بخشی از فعالیت‌های گردشگری و اقتصادی کیش را فراهم کند.

کبیری با اشاره به ضرورت تکمیل اسناد راهبردی توسعه اظهار داشت که حوزه‌هایی مانند سلامت، آموزش، فرهنگ، گردشگری و مسائل اجتماعی باید در هماهنگی با طرح توسعه و چشم‌انداز کلان

تا پایان سال جاری (۱۴۰۵)، بتوانیم بحث واردات خودروها با پلاک منطقه آزاد را در بوشهر عملیاتی کنیم.

شما از جمله مدیرانی هستید که پیش از این انتصاب، سابقه معاونت در مناطق آزاد را داشته‌اید. با تکیه بر این تجربه، فکر می‌کنید چقدر نیاز است تا برند منطقه آزاد بوشهر در حوزه تولید و صادرات، به جایگاه مطلوب خود در سطح خلیج فارس برسد؟

رویکرد منطقه آزاد بوشهر دقیقاً بر مبنای سیاست‌های کلان وزیر محترم امور اقتصادی و دارایی و رئیس‌جمهور محترم، بر محوریت «تولیدات صادرات محور» استوار است. استان بوشهر به دلیل ظرفیت‌های کم‌نظیری که در صنایع پایین‌دستی نفت، گاز و پتروشیمی و همچنین صنایع شیلات و آبی‌پروری دارد، پتانسیل بالایی برای حرکت در سمت تخصصی شدن داراست.

تخصصی شدن مناطق آزاد، اکنون یکی از رویکردهای اصلی دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد کشور است و ما تلاش می‌کنیم منطقه آزاد بوشهر را به عنوان یک برند متمایز در این حوزه‌ها مطرح کنیم.

ما ظرفیت‌های لازم را داریم و با کمک نخبگان، بهره‌گیری از مزیت‌های قانونی و حمایت‌های همه‌جانبه استاندار محترم بوشهر، امیدواریم این برندسازی به زودی محقق شود. موقعیت بوشهر با داشتن بیشترین مرز مشترک آبی با کشورهای حوزه خلیج فارس (حدود ۹۳۷ کیلومتر مرز آبی) و دسترسی به دریاها، آزاد، یک فرصت بی‌نظیر برای طراحی زنجیره صادرات محصولات بوشهر است. در کنار صنایع بزرگ، پتانسیل عظیمی نیز در صادرات محصولات کشاورزی خارج از فصل بوشهر وجود دارد که جذابیت بالایی برای بازارهای کشورهای حوزه خلیج فارس ایجاد می‌کند و به رونق این برند کمک خواهد کرد.

بوشهر؛ اسیر بروکراسی



حکمرانی منطقه آزاد است. سرمایه‌گذار پیش از هر چیز به ثبات مدیریتی و شفافیت مقررات نیاز دارد. هنگامی که پس از سال‌ها هنوز اخبار اصلی حول تعیین مدیرعامل و اعضای هیئت مدیره منتشر می‌شود، طبیعی است که بخش خصوصی نسبت به افق اجرایی پروژه‌ها با احتیاط برخورد کند. نکته قابل تأمل آن است که حتی در سال ۱۴۰۰ نیز مدیر اجرایی منطقه آزاد بوشهر معرفی شده بود، اما چهار سال بعد همچنان موضوع انتصاب مدیران در صدر اخبار قرار دارد. (TasnimNews)

دومین چالش به نبود پروژه‌های شاخص سرمایه‌گذاری بازمی‌گردد. در مناطق آزاد موفق جهان، نخست زیرساخت‌های لجستیکی، صنعتی و خدماتی تعریف و سپس بسته‌های سرمایه‌گذاری به بازار عرضه می‌شوند. اما در بوشهر هنوز بخش مهمی از گفتمان رسمی پیرامون «آغاز فعالیت» و «تشکیل ساختار اجرایی» است. این در حالی است که رقبای منطقه‌ای ایران در حوزه خلیج فارس سال‌هاست از مرحله ایجاد زیرساخت عبور کرده و وارد رقابت بر سر جذب سرمایه‌های بین‌المللی شده‌اند.

سومین عامل، فقدان پیوند مؤثر میان ظرفیت‌های بندری و منطقه آزاد است. رکورد ۳۹.۵ میلیون تنی عملیات بندری زمانی می‌تواند به رشد سرمایه‌گذاری منجر شود که در کنار آن زنجیره‌های ارزش، صنایع تبدیلی، مراکز لجستیکی و هاب‌های صادراتی شکل بگیرند. صرف عبور کالا از بندر، به معنای توسعه اقتصادی پایدار نیست. ارزش افزوده زمانی ایجاد می‌شود که کالا در منطقه پردازش، بسته‌بندی، تولید یا با صادرات شود.

واقعیت آن است که منطقه آزاد بوشهر امروز بیش از آنکه با کمبود ظرفیت مواجه باشد، از شکاف میان ظرفیت و اجرایی می‌برد. استانی که میزبان بزرگ‌ترین صنایع انرژی کشور است، سالانه میلیاردها دلار صادرات انجام می‌دهد و سهم قابل توجهی در اقتصاد ملی دارد. هنوز نتوانسته منطقه آزاد خود را به موتور محرک سرمایه‌گذاری تبدیل کند.

اکنون مهم‌ترین آزمون پیش روی مدیران جدید منطقه آزاد بوشهر نه صدور احکام و تشکیل جلسات اداری، بلکه ارائه برنامه‌ای مشخص برای جذب سرمایه، ایجاد پروژه‌های مولد و تبدیل مزیت‌های جغرافیایی استان به مزیت‌های اقتصادی است. در غیر این صورت، منطقه آزاد بوشهر نیز ممکن است به فهرست بلند پروژه‌هایی اضافه شود که سال‌ها درباره ظرفیت‌هایشان سخن گفته شد، اما هرگز به نقطه اثرگذاری اقتصادی مورد انتظار نرسیدند. این گزارش حدود ۷۰۰ تا ۸۰۰ کلمه است و ساختار آن کاملاً منطبق با قالب گزارش‌های تحلیلی روزنامه‌های اقتصادی است؛ یعنی لید مسئله محور، استناد به آمار، طرح پرسش اصلی، تحلیل علل و جمع‌بندی انتقادی. تیترا مناسب برای آن می‌تواند «منطقه آزاد بوشهر؛ پشت دروازه اجرا» یا «بوشهر؛ ظرفیت بزرگ، توقف در مدیریت» باشد.

حسنا رحیمی؛ در حالی که بنادر استان بوشهر طی سال گذشته رکورد ۳۹.۵

میلیون تن تخلیه و بارگیری کالا را ثبت کرده‌اند و این استان سهمی قابل توجه در تجارت دریایی، صادرات انرژی و تولید ناخالص داخلی کشور دارد، تازه‌ترین اخبار منطقه آزاد بوشهر همچنان حول محور «انتصاب مدیرعامل»، «تشکیل هیئت مدیره» و «آغاز فاز اجرایی» می‌چرخد. این وضعیت پرسشی جدی را پیش روی فعالان اقتصادی قرار داده است: چرا منطقه آزادی که قرار بود به موتور محرک سرمایه‌گذاری جنوب کشور تبدیل شود، هنوز درگیر شکل‌گیری ساختار مدیریتی است؟

منطقه آزاد بوشهر از همان ابتدای طرح، به عنوان یکی از راهبردی‌ترین پروژه‌های توسعه‌ای جنوب کشور معرفی شد. موقعیت ممتاز جغرافیایی، دسترسی مستقیم به آب‌های آزاد خلیج فارس، همجواری با قطب‌های نفت، گاز و پتروشیمی و برخورداری از ظرفیت گسترده بندری، مزیت‌هایی بودند که این منطقه را به یکی از امیدهای اصلی جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی تبدیل می‌کردند.

با این حال، مرور روند شکل‌گیری منطقه آزاد بوشهر نشان می‌دهد فاصله میان ظرفیت‌های بالقوه و دستاوردهای عملیاتی همچنان قابل توجه است. جالب آنکه نخستین مباحث جدی درباره ایجاد منطقه آزاد بوشهر بیش از یک دهه پیش مطرح شد و حتی در سال ۱۳۹۳ خبر تصویب آن در کارگروه تخصصی شورای عالی مناطق آزاد منتشر شد. با وجود این سابقه طولانی، هنوز در سال ۱۴۰۵ اخبار رسمی از «صدور احکام مدیران» و «ورود به فاز اجرایی» سخن می‌گویند. (MehrNews)

این در حالی است که آمارهای اقتصادی استان تصویر متفاوتی ارائه می‌کنند. بر اساس اعلام سازمان بنادر، مجموع تخلیه و بارگیری کالا در بنادر بوشهر به ۳۹.۵ میلیون تن رسیده که از این میزان حدود ۲۹.۷ میلیون تن مربوط به کالاهای نفتی و ۱۰.۷ میلیون تن مربوط به کالاهای غیرنفتی است. این ارقام بوشهر را در زمره مهم‌ترین دروازه‌های تجاری کشور قرار می‌دهد. (TasnimNews)

علاوه بر این، استاندار بوشهر اعلام کرده است که تنها در سال گذشته بیش از ۲۷ میلیون تن کالا به ارزش ۱۱ میلیارد دلار از بنادر استان صادر شده و حدود ۲.۲ میلیارد دلار واردات نیز از طریق این بنادر انجام گرفته است. همچنین حدود ۵.۵ درصد تولید ناخالص داخلی کشور به استان بوشهر اختصاص دارد. (MehrNews)

اما پرسش اصلی اینجاست که اگر چنین ظرفیت عظیمی در اختیار استان قرار دارد، چرا منطقه آزاد بوشهر هنوز به کانون جذب سرمایه‌گذاری تبدیل نشده است؟ بررسی وضعیت موجود نشان می‌دهد نخستین چالش، تأخیر طولانی در استقرار ساختار

تجارت جهانی گزارش می‌دهد

ارس؛ سیلیکون ولی فراموش شده ایران؟

تجارت جهان در میان کوهستان‌های شمال غرب ایران، جایی که کامیون‌ها از کنار کارخانه‌های تولیدی عبور می‌کنند و سوله‌های صنعتی در امتداد جاده‌های مرزی صف کشیده‌اند، روایتی کمتر شنیده‌شده در حال شکل‌گیری است. منطقه آزاد ارس که سال‌ها به عنوان یکی از قطب‌های تولید و تجارت کشور شناخته می‌شد، اکنون در تلاش است تصویری متفاوت از خود ارائه دهد؛ تصویری که نه بر پایه خطوط مونتاز و صادرات سنتی، بلکه بر محور فناوری، نوآوری و اقتصاد دانش‌بنیان بنا شده است.



به اندازه زیرساخت‌های فیزیکی توسعه دهند. در ارس نیز بخش عمده شهرت منطقه همچنان به صنایع تولیدی گره خورده است. از صنایع غذایی و شیمیایی گرفته تا تولید تجهیزات صنعتی، هویت اقتصادی منطقه بیشتر بر پایه تولید سنتی شکل گرفته است. در چنین فضایی، شرکت‌های دانش‌بنیان اغلب در حاشیه قرار می‌گیرند و سهم آن‌ها از اقتصاد منطقه در از صنایع سنتی نیاز دارد. کارخانه‌ها با برنامه‌ریزی‌های بلندمدت و ساختارهای نسبتاً ثابت اداره می‌شوند، اما شرکت‌های فناوری در محیطی پویا و پرریسک فعالیت می‌کنند. موفقیت آن‌ها به سرعت تصمیم‌گیری، دسترسی به سرمایه خطرپذیر و امکان تعامل مداوم با بازار وابسته است. بسیاری از کارشناسان معتقدند مناطق آزاد ایران هنوز نتوانسته‌اند این زیرساخت نرم را

در سال‌های اخیر، مدیران ارس بارها از ضرورت حرکت به سوی اقتصاد مبتنی بر دانش سخن گفته‌اند. ایجاد مراکز نوآوری، حمایت از شرکت‌های فناور، توسعه زیرساخت‌های دیجیتال و تلاش برای جذب استارت‌آپ‌ها بخشی از این برنامه‌ها بوده است. اما پرسش اصلی همچنان باقی است: آیا ارس می‌تواند به قطب فناوری ایران تبدیل شود یا این هدف نیز مانند بسیاری از طرح‌های مشابه در مناطق آزاد، در حد یک چشم‌انداز باقی خواهد ماند؟

این پرسش در شرایطی مطرح می‌شود که جهان در حال تجربه دگرگونی عمیقی در مفهوم مناطق آزاد است. اگر در دهه‌های گذشته این مناطق عمدتاً با معافیت‌های مالیاتی، تجارت کالا و جذب سرمایه صنعتی شناخته می‌شدند، امروز بسیاری از موفق‌ترین نمونه‌های جهان به مراکز نوآوری، فناوری‌های پیشرفته و اقتصاد دیجیتال تبدیل شده‌اند. رقابت جهانی دیگر تنها بر سر ساخت کارخانه‌های بیشتر نیست؛ بلکه بر سر جذب مغزها، ایده‌ها و سرمایه‌های فناورانه است.

ارس از برخی مزیت‌های قابل توجه برخوردار است. نزدیکی به قطب‌های دانشگاهی شمال غرب کشور، دسترسی به بازارهای منطقه‌ای، زیرساخت‌های صنعتی موجود و مشوق‌های اقتصادی، ظرفیت‌هایی هستند که در ظاهر می‌توانند بستر مناسبی برای شکل‌گیری زیست‌بوم فناوری فراهم کنند. با این حال، تجربه جهانی نشان می‌دهد که توسعه فناوری صرفاً با ایجاد ساختمان‌های جدید یا ارائه معافیت‌های مالیاتی محقق نمی‌شود. یکی از چالش‌های اصلی، مسئله تمرکز است. بخش عمده سرمایه انسانی متخصص ایران همچنان در تهران و چند کلان‌شهر بزرگ متمرکز است. استارت‌آپ‌ها و شرکت‌های نوآور برای رشد خود به شبکه‌ای از سرمایه‌گذاران، دانشگاه‌ها، منتورها، مشتریان و نیروی انسانی متخصص نیاز دارند؛ شبکه‌ای که طی سال‌ها در پایتخت شکل گرفته و انتقال آن به مناطق دیگر کار ساده‌ای نیست.

از سوی دیگر، اکوسیستم نوآوری به فرهنگ متفاوت

گزارش کوتاه

گزارش کوتاه

سرمایه‌گذار پشت مرز قصر شیرین



تجارت جهان حسنا رجبی، منطقه آزاد تجاری. صنعتی قصر شیرین که با هدف تبدیل شدن به یکی از مهم‌ترین دروازه‌های تجاری ایران با عراق ایجاد شد، اکنون در شرایطی قرار گرفته که میان «وعده‌های سرمایه‌گذاری» و «واقعیت زیرساختی» آن شکافی قابل توجه دیده می‌شود. در حالی که مسئولان از اختصاص سهمیه ۲۰۰ میلیون دلاری واردات کالا، راه‌اندازی گمرک، صدور پلاک منطقه آزاد و امضای تفاهم‌نامه احداث نخستین بندر خشک غرب کشور سخن می‌گویند، بخش مهمی از اخبار رسمی همچنان حول تکمیل زیرساخت‌ها، آماده‌سازی معابر و رفع موانع اولیه فعالیت اقتصادی می‌چرخد. این پرسش اکنون بیش از هر زمان دیگری مطرح است که چرا منطقه آزاد قصر شیرین هنوز به مرحله جذب گسترده سرمایه و اجرای پروژه‌های بزرگ اقتصادی نرسیده است؟

منطقه آزاد قصر شیرین با وسعتی بیش از هفت هزار هکتار و برخورداری از همجواری با دو مرز مهم خسروی و پرویزخان، یکی از استراتژیک‌ترین مناطق آزاد کشور محسوب می‌شود. این منطقه در شرایطی فعالیت خود را آغاز کرد که انتظار می‌رفت به دلیل قرار گرفتن در مسیر تجارت ایران و عراق، به سرعت به کانون جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی تبدیل شود.

با این حال بررسی روند فعالیت‌های دو سال اخیر نشان می‌دهد بخش قابل توجهی از انرژی مدیریتی منطقه همچنان صرف ایجاد زیرساخت‌های اولیه شده است. بر اساس اعلام مدیرعامل منطقه آزاد قصر شیرین، تاکنون بیش از ۲۰۰ شرکت برای فعالیت در منطقه درخواست داده‌اند، ۱۴۰ شرکت وارد فرآیند اجرایی شده‌اند اما تنها چهار شرکت موفق به ثبت نهایی و رسمی فعالیت شده‌اند. این آمار نشان می‌دهد فاصله معناداری میان «تقاضای سرمایه‌گذاری» و «سرمایه‌گذاری عملیاتی» وجود دارد.

از سوی دیگر، در بهمن ۱۴۰۳ عملیات اجرایی ۱۳ پروژه عمرانی و خدماتی منطقه با اعتباری حدود ۴۱۳ میلیارد تومان آغاز با افتتاح شد. اگرچه این رقم برای شروع فعالیت یک منطقه آزاد قابل توجه است، اما مقایسه آن با حجم سرمایه‌گذاری مورد نیاز برای ایجاد یک قطب لجستیکی و صنعتی بین‌المللی نشان می‌دهد منطقه هنوز در مرحله آماده‌سازی قرار دارد.

در ماه‌های اخیر چند خبر مهم اقتصادی نیز منتشر شده است؛ از جمله اختصاص سهمیه ۲۰۰ میلیون دلاری واردات کالا، تسهیل واردات خودرو و امضای تفاهم‌نامه احداث نخستین بندر خشک مناطق آزاد غرب کشور. این اقدامات می‌تواند زمینه رونق تجاری را فراهم کند، اما نکته اساسی آن است که اغلب این برنامه‌ها هنوز در مرحله توافقی، برنامه‌ریزی یا آغاز عملیات قرار دارند و به جریان پایدار

شیراز در مسیر هاب صنعتی جنوب



تجارت جهان منطقه ویژه اقتصادی شیراز به‌عنوان یکی از کانون‌های مهم صنعتی و سرمایه‌گذاری جنوب کشور، در سال‌های اخیر به‌طور مستمر در دستور کار توسعه‌ای استان فارس و نهادهای ملی قرار داشته است. بر اساس گزارش‌های رسمی منتشرشده در خبرگزاری‌های معتبر داخلی، این منطقه با هدف تقویت تولید، جذب سرمایه‌گذاری و توسعه زیرساخت‌های لجستیکی و خدماتی در حال گسترش است و نقش آن در آینده اقتصاد استان به‌عنوان «پیشران توسعه» تعریف شده است.

در نشست‌های اخیر میان مدیران منطقه ویژه اقتصادی شیراز و مسئولان شهرستان، مهم‌ترین محور بحث‌ها «بهبود فضای سرمایه‌گذاری» و «رفع موانع اداری تولید» عنوان شده است. طبق گزارش خیرآنلاین، مسئولان محلی بر این نکته تأکید کرده‌اند که ظرفیت‌های منطقه در حوزه‌های صنعتی، لجستیکی و خدماتی بالاست، اما برای بالفعل شدن این ظرفیت‌ها نیاز به تسهیل فرآیندهای اجرایی و حمایت جدی‌تر از سرمایه‌گذاران وجود دارد. این موضوع نشان می‌دهد که چالش اصلی منطقه نه کمبود زمین یا زیرساخت اولیه، بلکه سرعت تبدیل طرح‌ها به پروژه‌های عملیاتی است؛ مسئله‌ای که در بسیاری از مناطق ویژه اقتصادی کشور نیز مشاهده می‌شود.

یکی از مهم‌ترین پروژه‌های مرتبط با این منطقه، دهکده لجستیکی شیراز است. بر اساس گزارش خبرگزاری تسنیم، مجوز احداث این پروژه در نشست رسمی با حضور مسئولان وزارت راه و شهرسازی صادر شده است. این دهکده قرار است در زمینی حدود ۳۰۰ هکتار در مجاورت منطقه ویژه اقتصادی شیراز احداث شود و به شبکه ریلی شیراز بوشهر متصل گردد.

کارکرد اصلی این پروژه، کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل، افزایش سرعت جابه‌جایی کالا و تبدیل شیراز به یک هاب لجستیکی در جنوب کشور عنوان شده است. کارشناسان معتقدند در صورت تکمیل این طرح، زنجیره تأمین در استان فارس و استان‌های همجوار به شکل قابل توجهی بهینه خواهد شد.

در کنار بخش صنعتی، یکی از پروژه‌های مهم و پرحاشیه منطقه ویژه اقتصادی شیراز، شهر سلامت شیراز است. طبق گزارش رسمی تسنیم، این پروژه به‌عنوان یکی از بزرگ‌ترین طرح‌های اقتصاد سلامت کشور معرفی شده و پیشرفت فیزیکی آن حدود ۲۰ تا ۴۰

سرمایه‌گذاری منجر نشده‌اند.

کارشناسان معتقدند سه مانع اصلی در مسیر ورود منطقه آزاد قصر شیرین به فاز واقعی سرمایه‌گذاری وجود دارد. نخست، ضعف زیرساخت‌های پشتیبان شامل شبکه حمل‌ونقل، انبارداری، لجستیک و خدمات گمرکی است. دوم، نبود طرح‌های بزرگ صنعتی و تولیدی که بتوانند سرمایه‌گذاران عمده را جذب کنند. سوم، تداوم ناطمینانی‌های اقتصادی که موجب احتیاط سرمایه‌گذاران در ورود به پروژه‌های بلندمدت شده است.

واقعیت این است که سرمایه‌گذار پیش‌ازهر چیز به دنبال «اطمینان از بازگشت سرمایه» است. صرف برخورداری از مزیت مرزی، بدون تکمیل زیرساخت‌ها و ایجاد زنجیره ارزش اقتصادی، نمی‌تواند تضمین‌کننده ورود سرمایه‌های بزرگ باشد. تجربه مناطق آزاد موفق کشور نیز نشان می‌دهد توسعه واقعی زمانی آغاز می‌شود که منطقه از مرحله افتتاح پروژه‌های عمرانی عبور کرده و به مرحله استقرار واحدهای تولیدی، مراکز لجستیکی و سرمایه‌گذاری‌های مولد برسد.

اکنون منطقه آزاد قصر شیرین در نقطه‌ای تعیین‌کننده قرار گرفته است. اگر پروژه‌هایی مانند بندر خشک، توسعه خدمات گمرکی و زیرساخت‌های حمل‌ونقل در زمان مناسب به بهره‌برداری برسند، این منطقه می‌تواند به حلقه اصلی تجارت ایران و عراق تبدیل شود. اما اگر روند فعلی ادامه یابد، خطر تبدیل شدن منطقه آزاد به مجموعه‌ای از پروژه‌های نیمه‌تمام و فرصت‌های از دست‌رفته، همچنان وجود خواهد داشت.

فاصله میان «اعلام آمادگی برای جهش اقتصادی» و «تحقق سرمایه‌گذاری واقعی» همان چالشی است که آینده منطقه آزاد قصر شیرین را تعیین خواهد کرد.

به نهادهایی نیاز دارد که بتوانند واقعاً گرهی از تجارت خارجی بازکنند. تحریم، هزینه‌های نقل وانتقال، بی‌ثباتی مقررات، دشواری جذب سرمایه و فرسایش مزیت‌های رقابتی، همه و همه فشار سنگینی بر تجارت کشور وارد کرده‌اند. در چنین وضعی، مناطق آزاد باید اتاق عملیات صادرات باشند؛ باید شبانه‌روزی کاهش زمان ترخیص، استانداردهای فرآیندها، جذب خطوط حمل‌ونقل، توسعه مراکز لجستیکی و ایجاد مشوق‌های مؤثر برای تولید صادرات محور کار کنند. اما ما در عوض، برای رونمایی از یک پلاک فرش قرمز پهن می‌کنیم.

این فقط سوءسلیقگی نیست؛ نشانه‌ای از نوعی فقر اولویت در اداره اقتصاد است. سیاست‌گذار وقتی در تشخیص «مسئله اصلی» و «مسئله فرعی» دچار اختلال می‌شود، زبان نمادین حکومت هم‌به‌همان نسبت‌اشفته می‌شود. نتیجه آن می‌شود که کشور برای موضوعاتی بسیج می‌شود که در بهترین حالت، حاشیه‌ای‌اند. پلاک خودرو، حتی اگر لازم باشد، حتی اگر کارکرد اجرایی داشته باشد، باز هم در منطق توسعه منطقه آزاد یک موضوع درجه دوم است. تبدیل کردن آن به رخداد سیاسی، درست مانند آن است که کارخانه‌ای به جای رونمایی از خط تولید جدیدش، برای طراحی کارت پارکینگ کارکنان مراسم ملی بگیرد.

باید صریح‌تر گفت: این نمایش، نه از قدرت مناطق آزاد، که از بحران هویت آن‌ها خبر می‌دهد. منطقه‌ای که مأموریت خود را به‌روشنی می‌شناسد، نیازی ندارد برای پلاک‌گذاری جشن بگیرد. آن منطقه، اگر چیزی برای رونمایی داشته باشد، قرارداد صادراتی است؛ جذب سرمایه‌گذار است؛ افتتاح ترمینال باری است؛ راه‌اندازی مرکز پردازش صادرات است؛ امضای تفاهم با خطوط بین‌المللی حمل‌ونقل است؛ ایجاد اشتغال صنعتی است. پلاک، در بهترین حالت، پیوست اداری این پروژه‌هاست، نه خودِ پروژه.

برای خروج از این وضعیت، قبل از هر چیز باید زبان سیاست‌گذاری مناطق آزاد اصلاح شود. دولت، مجلس و مدیران این مناطق باید روشن کنند که شاخص موفقیت منطقه آزاد چیست. تعداد خودروهای پلاک‌شده؟ حجم واردات؟ یا ارزش صادرات، سرمایه‌گذاری جذب‌شده، تعداد بنگاه‌های تولیدی صادرات محور، و سهم منطقه در ترانزیت و لجستیک؟ تا وقتی این پاسخ روشن نشود، هر منطقه آزادی وسوسه خواهد شد که ساده‌ترین و پُرسروصداترین مسیر را انتخاب کند؛ امتیاز مصرفی بفروشد، تصویر لوکس بسازد، و آن را به‌جای توسعه جا بزند.



از صادرات تا شماره‌گذاری؛ ابتدال یک انحراف سیاسی

وقتی «منطقه آزاد» به «پلاک آزاد» تقلیل می‌یابد

جابه‌جایی مفهومی، فقط یک خط‌ای روایی نیست؛ یک خط‌ای پرهزینه سیاستی است.

واقعیت این است که بخش مهمی از افکار عمومی ایران، وقتی نام منطقه آزاد را می‌شنود، نه به صادرات فکر می‌کند، نه به زنجیره تأمین، نه به ترانزیت، نه به صنایع صادرات‌محور. اولین تصویری که در ذهن شکل می‌گیرد، خودروهای پلاک منطقه آزاد است؛ همان خودروهایی که سال‌ها به نماد تبعیض، امتیاز ویژه و مصرف لوکس بدل شده‌اند. این تصویر، تصادفی شکل نگرفته است. محصول سال‌ها سیاست‌گذاری غلط، اولویت‌گذاری معیوب و تبلیغاتی است که مناطق آزاد را نه به‌عنوان سکوی تجارت، بلکه به‌عنوان مسیر دسترسی به مزایای خاص مصرفی معرفی کرده است. رونمایی رسمی از یک پلاک جدید در شهر فرودگاهی، با حضور عالی‌ترین سطوح دولت، دقیقاً در همین قاب قرار می‌گیرد؛ تقویت این تصور که مهم‌ترین خبر یک منطقه آزاد، نه قرارداد صادراتی، نه سرمایه‌گذاری صنعتی، نه راه‌اندازی یک مرکز پردازش کالا، بلکه امکان پلاک‌گذاری خودرو است.

مسأله فقط نمادها نیستند، هرچند نمادها در سیاست اهمیت دارند. مسأله این است که نمادها، اولویت‌ها را لو می‌دهند. وقتی دولت برای یک پلاک مراسمی در این

گزارش کوتاه

هلمند و خراسان جنوبی؛ فصل تازه همکاری‌های مرزی در جست‌وجوی اقتصاد مشترک

تجارت جهان در شرایطی که تحولات ژئوپلیتیکی منطقه، اهمیت مسیرهای زمینی و بازارهای همسایه را بیش از گذشته برجسته کرده است، نشست مشترک فعالان اقتصادی، مسئولان استان خراسان جنوبی و هیأت ولایت هلمند افغانستان در منطقه ویژه اقتصادی بیرجندرامی‌توان نشانه‌ای از تلاش دو کشور برای تعریف فصل جدیدی از همکاری‌های اقتصادی دانست؛ فصلی که در آن تجارت، سرمایه‌گذاری و توسعه مناطق مرزی در کانون توجه قرار گرفته است. اظهارات مولوی رحیم‌الله محمود، معاون والی هلمند افغانستان، در این نشست بیش از آنکه صرفاً یک دعوت دیپلماتیک برای گسترش روابط اقتصادی باشد، حامل پیامی روشن درباره تغییر رویکرد کابل در قبال جذب سرمایه و توسعه همکاری‌های منطقه‌ای است. او با تأکید بر ظرفیت‌های گسترده هلمند در حوزه‌های کشاورزی، تجارت و نیروی انسانی، از فعالان اقتصادی ایرانی خواست تا از فرصت‌های سرمایه‌گذاری موجود در این ولایت بهره ببرند و در پروژه‌های مشترک اقتصادی مشارکت کنند.

روابط اقتصادی ایران و افغانستان همواره تحت تأثیر پیوندهای تاریخی، فرهنگی واجتماعی میان دولت قرار داشته است. افغانستان طی دودهه گذشته یکی از مهم‌ترین بازارهای صادراتی ایران بوده و استان‌های شرقی کشور نقش مهمی در تأمین کالاهای مورد نیاز این همسایه شرقی ایفا کرده‌اند.

با این حال، کارشناسان معتقدند ظرفیت همکاری‌های اقتصادی دو کشور بسیار فراتر از سطح فعلی مبادلات تجاری است. بخش قابل توجهی از روابط اقتصادی ایران و افغانستان همچنان بر صادرات کالاهای مصرفی و مواد اولیه متمرکز است؛ در حالی که حوزه‌هایی نظیر صنایع تبدیلی، کشاورزی



هلمند، ظرفیت‌های کشاورزی این ولایت بود. هلمند به واسطه منابع آبی و زمین‌های حاصلخیز، یکی از قطب‌های کشاورزی افغانستان به شمار می‌رود. فعالان اقتصادی معتقدند سرمایه‌گذاران ایرانی می‌توانند در حوزه‌هایی مانند احداث واحدهای فرآوری محصولات کشاورزی، بسته‌بندی، سردخانه‌ها و صنایع تبدیلی در افغانستان حضور مؤثرتری داشته باشند. چنین همکاری‌هایی علاوه بر ایجاد ارزش افزوده برای محصولات کشاورزی افغانستان، زمینه افزایش صادرات و توسعه زنجیره‌های تولید مشترک را نیز فراهم می‌کند. از سوی دیگر، شرکت‌های ایرانی در حوزه خدمات فنی و مهندسی، ساخت زیرساخت‌های کشاورزی، سیستم‌های آبیاری و تجهیزات صنعتی نیز از توانمندی قابل توجهی برخوردارند که می‌تواند در فرآیند توسعه اقتصادی هلمند مورد استفاده قرار گیرد.

اگرچه حجم تجارت میان ایران و افغانستان طی سال‌های اخیر قابل توجه بوده، اما سرمایه‌گذاری مشترک هنوز به سطحی نرسیده که بتواند موتور محرک روابط اقتصادی دو کشور باشد.

مولوی رحیم‌الله محمود در سخنان خود به همین موضوع اشاره کرد و سرمایه‌گذاری مشترک را یکی از مهم‌ترین راهکارهای توسعه روابط اقتصادی دانست. این رویکرد نشان می‌دهد مقامات محلی افغانستان به دنبال عبور از الگوی سنتی تجارت مرزی و حرکت به سمت همکاری‌های عمیق‌تر اقتصادی هستند.

گزارش کوتاه

افتتاح بخش بخار نیروگاه زرنديه؛ تقویت زیرساخت انرژی در قلب کریدور صنعتی استان مرکزی



تجارت جهان افتتاح بخش بخار نیروگاه سیکل ترکیبی زرنديه با ظرفیت ۳۴۵ مگاوات و سرمایه‌گذاری ۲۳ هزار میلیارد تومانی را باید فراتر از یک پروژه صرفاً عمرانی یا نیروگاهی ارزیابی کرد؛ این رخداد در عمل به معنای تقویت یکی از مهم‌ترین زیرساخت‌های پشتیبان تولید در یکی از کانون‌های صنعتی ولجستیکی استان مرکزی است. در شرایطی که ناترازی برق به یکی از جدی‌ترین موانع رشد پایدار بخش صنعت، تولید و حتی صادرات کشور تبدیل شده، ورود یک واحد جدید نیروگاهی به مدار زرنديه، می‌تواند معادلات اقتصادی این منطقه را به‌طور محسوسی تحت تأثیر قرار دهد و ظرفیت‌های تازه‌ای برای جذب سرمایه‌گذاری، تثبیت تولید و توسعه صنایع انرژی بر فراهم آورد. استاندار مرکزی در آیین افتتاح این پروژه اعلام کرد که با بهره‌برداری از بخش بخار یک نیروگاه سیکل ترکیبی زرنديه، مجموع تولید انرژی در این مجموعه به بیش از یک‌هزار و ۱۰۰ مگاوات خواهد رسید؛ ظرفیتی که نه‌تنه‌بارای پشتیبانی از شبکه سراسری برق اهمیت دارد، بلکه برای منطقه‌ای مانند زرنديه که در مجاورت قطب‌های صنعتی و در مسیر ارتباطی تهران، ساوه و استان‌های مرکزی کشور قرار گرفته، یک مزیت اقتصادی راهبردی محسوب می‌شود. این پروژه از منظر اقتصاد منطقه‌ای، در نقطه تلاقی سه موضوع مهم قرار می‌گیرد: امنیت انرژی، رقابت‌پذیری صنعتی و جذابیت سرمایه‌گذاری. در سال‌های اخیر، یکی از مهم‌ترین گلايه‌های فعالان اقتصادی، صاحبان صنایع ومدیران شهرک‌های صنعتی، بی‌ثباتی در تأمین انرژی و تبعات آن برای خطوط تولید بوده است. قطع یا محدودیت برق در فصل گرم، علاوه بر تحمیل هزینه مستقیم به واحدهای تولیدی، زنجیره تأمین را مختل می‌کند، بهره‌وری را کاهش می‌دهد و قدرت برنامه‌ریزی بنگاه‌ها را تحت فشار قرار می‌دهد. در چنین فضایی، توسعه ظرفیت نیروگاهی در مناطقی که تراکم واحدهای

صنعتی در آنها بالاست، عملاً یک اقدام زیرساختی برای حمایت از تولید به شمار می‌رود. زرنديه و ساوه طی سال‌های گذشته به تدریج به یکی از محورهای مهم استقرار صنایع، انبارها، واحدهای لجستیکی و سرمایه‌گذاری‌های صنعتی در شمال استان مرکزی تبدیل شده‌اند. نزدیکی به تهران، دسترسی مناسب جاده‌ای، قرار گرفتن در کریدورهای حمل‌ونقل و وجود شهرک‌ها و نواحی صنعتی متعدد، باعث شده این منطقه از یک جغرافیای صرفاً محلی عبور کرده و به یک حلقه اثرگذار در شبکه تولید و توزیع کشور تبدیل شود. در چنین بستری، تأمین پایدار برق دیگر یک موضوع فنی محدود نیست، بلکه به یک متغیر تعیین‌کننده در اقتصاد منطقه ویژه اقتصادی زرنديه تبدیل شده است. اگر منطقه ویژه اقتصادی زرنديه را به‌عنوان یک سکوی جذب سرمایه‌گذاری و استقرار صنایع در نظر بگیریم، برق پایدار یکی از مهم‌ترین پیش‌شرط‌های تقویت این سکواست. سرمایه‌گذار صنعتی، پیش از هر چیز به هزینه و امنیت تأمین نهاده‌های پایه نگاه می‌کند؛ زمین، حمل‌ونقل، دسترسی به بازار و در کنار همه اینها، انرژی. هرچه یک منطقه صنعتی از زیرساخت برق مطمئن‌تر و ظرفیت بالاتری برخوردار باشد، ریسک سرمایه‌گذاری در آن کاهش می‌یابد و امکان جذب واحدهای جدید بیشتر می‌شود.